**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و پنجاه و دوم\_27 اسفند 1399**

**[سیر بحث تاکنون]**

بحث در مقام اول، از مقام ثالث طبق تقریر شیخ اعظم تمام شد و مجموعا هفت وجه برای توجیه عدم حجیت قیاس و خروج آن از تحت ظنون بنابر مسلک انسداد و پذیرش مبنای حکومت بیان شد.

**[کلام ما در پاسخ به سؤال]**

به نظر ما همان وجه اولی که بیان شده بود، با کمی تغییر می تواند بهترین پاسخ پرسش باشد.

پرسش این بود که اگر ما انسدادی هستیم و قائل به حکومت هم هستیم، پس عقل حکم می کند به حجیت همۀ ظنون و حکم عقل، تخصیص بردار نیست. وجه خروج قیاس را بیان کنید، به چه بیانی، قیاس را از بین دیگر ظنون خارج می­کنید و آن را حجت نمی دانید؟

جواب اول خلاصه اش این بود که قیاس در زمان ما حرام نیست و همۀ ادلۀ قیاس چه ادلۀ لفظیه و چه ادلۀ لبیه، همۀ ادلۀ حرمت قیاس ناظر به زمان حضور معصوم است و آن زمانی که ما بتوانیم از محضر او مطلب اصلی و صحیح را اخذ کنیم. این روایات در رد کسانی است که هم عترت را رها کرده­اند و هم قرآن را در حقیقت و ثقلین را ترک کرده اند و رجعوا الی اجتهاداتهم و آرائهم. فقاسوا و استحسنوا و ضلوا و أضلوا.

اگر در این روایات می گوید قیاس یعنی ابطال دین. اگر در این روایات می گوید قیاس ظنی است که **لا یغنی من الحق شیئا**. اگر در این روایات می گوید جایی اگر به محضر امام دسترسی نداشتید، قیاس نکنید، توقف کنید، هیچ کدام از این ها دلالت نمی کند در جایی که ما قائل به انسداد باشیم، نه تنها دسترسی مستقیم به معصوم نداشته باشیم، بلکه ادلۀ لفظیه و روایات ما دچار از یک طرف کمبود و نقصان، و از یک طرف جعل و تزویر، از سوی دیگر تقطیع ونقل به معنا و امثال آن شده است و ما دسترسی به زلال علم معصوم نداریم، در آنجا هم باز قیاس اساساً قابل مراجعه نیست. اگر اجماعی داریم و ضرورتی بر بطلان قیاس داریم، قدر متیقن از این بطلان، آنجاست که انسان اهل بیت عصمت و طهارت را رها کند، سراغ این گونه امور ظنیه برود و هیچ تفاوتی نگذاریم بین این زمان و زمان صدور روایات، این قابل قبول نیست، تفاوت واضح و آشکار است.

مرحوم شیخ در پاسخ این وجه تنها نکته ایی که گفت ما علم داریم از روایات نباید رکون به قیاس کرد **مع وجود الامارات السمعیه و الاخبار الصریحة.**

بسیار خوب این را هم قبول می کنیم اگر بناب انسداد جایی اطمینان از راه ادلۀ سمعیه پیدا شد باز هم مراجعه به قیاس ممنوع، اما اگر

1. وقتی به قیاس مراجعه کنیم که دسترسی به معصوم نداریم
2. وقتی به قیاس مراجعه کنیم، قائل به انسداد و اضطرار در ادلۀ سمعیه شده باشیم.

دیگر آیا می توان گفت در چنین فرضی هم آن ادله به صورت قطعی ما را منع می کند؟

مهم تر از همه وقتی که ما مبنای­مان این بود که به قیاس نه به عنوان یک دلیل مستقل بلکه به عنوان یک قرینه و شاهد در کنار قرائن دیگر تمسک کنیم. وقتی برای ما مهم این بود که از تجمیع این قرائن از جمله قیاس اطمینان شخصی حاصل شود. در چنین زمانی با چنین شرائطی و تحت چنین قیودی باز به عنوان یک قرینه و شاهد نمی توانیم از قیاس بهره ببریم، قابل قبول نیست. ما که نمی توانیم منکر شویم قیاس به نحوی افادۀ ظن می کند و از سوی دیگر دست ما هم از علم کوتاه است. از سوی دیگر ما به این قیاس مستقلاً عمل نکرده اییم.، در کنار شواهد و قرائن دیگر از او بهره گرفته اییم آیا باز در چنین موقعیتی بهره برداری به ان نحو از قیاس ممنوع است؟ قطعا جواب منفی است.

بنابراین اگر 1. ما انسدادی بشویم با فرض انسداد، 2. اگر ما قائل به حکومت بشویم و ما هم جزء کسانی بودیم که مسلک اضطرار را داشتیم بنابر تقریر حکومت، ما حکم عقل را به این نحوه گرفتیم که عقل می گوید در چنین فرضی باید با تجمیع شواهد و قرائن مسأله را حل کنیم که این به این نحوه در زمان معصوم، معنا ندارد. این شیوه در صورت انفتاح باب علم از روایات بی معناست. در فرض انسداد به عنوان یک شاهد، نه به عنوان یک دلیل، بهره برداری از قیاس ممنوع باشد، فی زماننا هذا اول الکلام است.

بنابراین می توان از قیاس هم به عنوان یک شاهد و قرینه در عملیات تجمیع قرائن بهره گرفت، و این بی سابقه هم نیست، اگر چه علماء اسمش را قیاس نگذارند، ما هم مشکلی با نام­گذاری نداریم، در کتاب­های فقهی گاهی شواهدی اقامه می شود، برای تثبیت یک مطلب که روح آن شواهد، همین قیاس است، در مکاسب شیخ، به عنوان نمونه دیده می شود، در جواهر دیده می شود، مخصوصا شیخنا الانصاری، که متمایل است به مسلک اضطرار، در مکاسب گاهی از همین تجمیع شواهد، که از جملۀ شواهد قیاس است، بهره می گیرد، مثال زده بودم به بحث تشبیب در مکاسب محرمه فراجع و فتامل.

این را با قیود و شروط نقل کنید، من نگفتم قیاس همیشه حجت است، من نگفتم به تنهایی قیاس مدرک است. سخن من برگرفته شده از فرمایش میرزای قمی و شیخنا الانصاری است با اضافه و قید وشرط بیشتر و آن این که در زمان غیبت، در زمانی که ما به صورت مطمئن نمی توانیم در همه جا از ادلۀ علمیه بهره ببریم، در جایی که باید از تجمیع شواهد استفاده کنیم، از تراکم ظنون بهره­گیری کنیم، این نوع بهره­گیری کردن از قیاس، مثل دیگر ظنون، مشکلی نخواهد داشت.

هذا تمام الکلام فی المقام الاول من المقام الاول.

ان شاء الله ادامۀ بحث در جلسات آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.